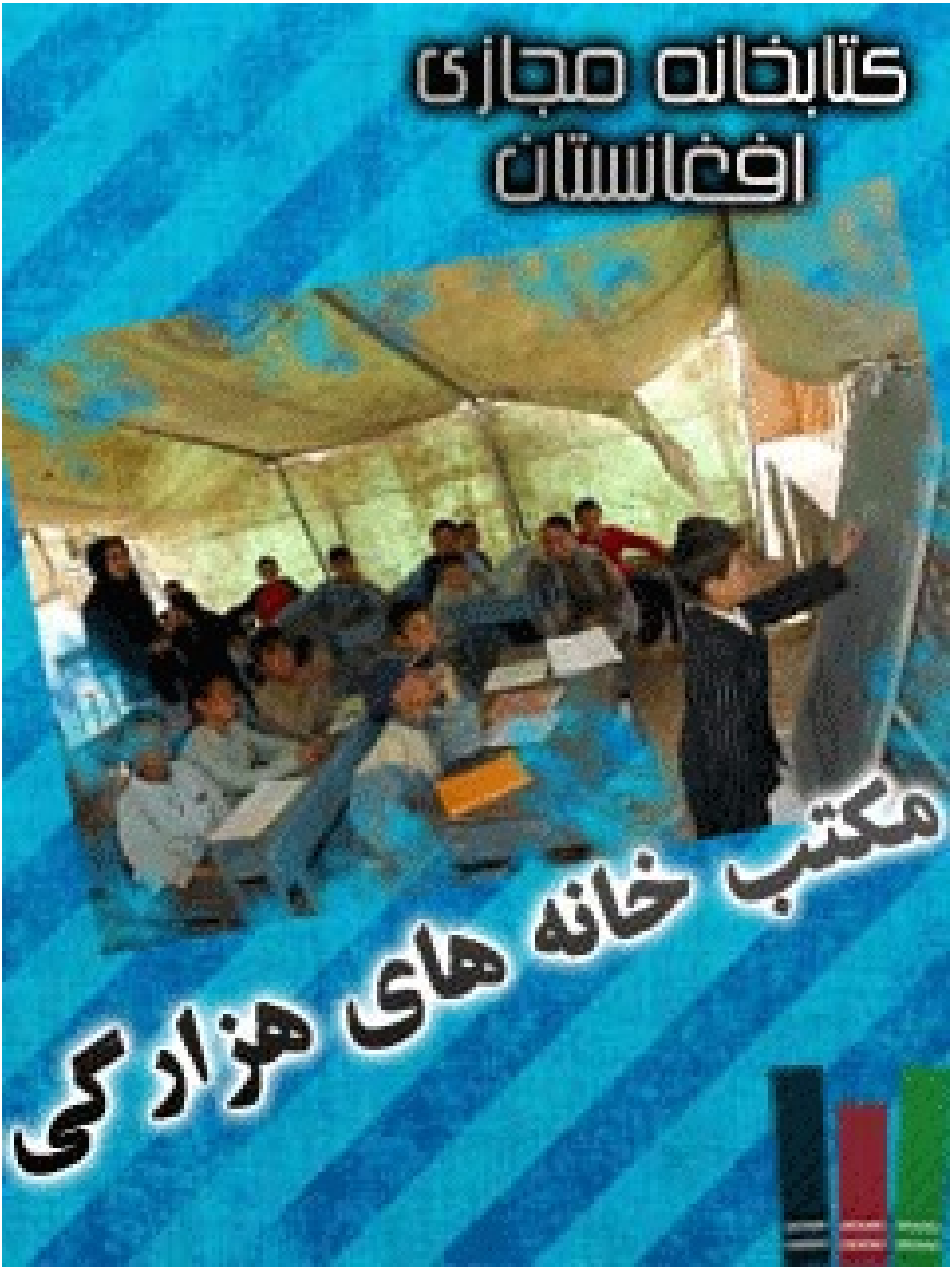

کتابخانه مجازی
افغانستان
مکتب خانه های هزارگی

بسم الله الرحمن الرحیم

مکتب خانه های هزارگی

نویسنده:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر چاپی:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مکتب خانه های هزارگی

مشخصات کتاب

سرشناسه:کتابخانه مجازی افغانستان ،۱۳۹۲

عنوان و نام پدیدآور:مکتب خانه های هزارگی/ دکتر حفیظ الله شریعتی.

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: فرهنگ

چکیده

مکتب خانه نمایانگر طرز تفکر، دانش تربیتی و نشانده هنده ی چگونگی آموزش در هزارستان است. روحانی های محل در این مکتبخانه ها برای باسواد کردن(آموزش زبان فارسی و عربی) هزاره ها اقدامات مؤثری انجام داده اند. دختران و پسران هزاره به صورت مختلط در این مکتبخانه ها درس های زمستانی و تابستانی مانند: پنج سوره(قاعده ی بغدادی) قرآن، پنج کتاب، دیوان حضرت حافظ، نصاب الصبیان، صرف میر، هدایه، مراح، سیوطی و... را فرا میگرفتند و سپس برای ادامه تحصیل به شهرهای پیرامون میرفتند. این مکتبخانه ها بیشتر در یکی از اتاق های مسجد تشکیل میشدند.

مکتبخانه های قدیم هزارگی، پایه و ریشه مکتب های جدید است که امروزه به دست فراموشی سپرده شده اند. شناخت این ریشه ها، شناخت شاخه ی بزرگی از فرهنگ گذشته و دانش نیاکان هزاره هاست که تا دو سه نسل پیش تنها کانون آموزش اجتماعی آنان بوده اند، از این رو مجموعه های از حال و هوای جامعه و آداب و سنت های گذشته ی هزاره ها، در آن انعکاس یافته اند.

این مکتبخانه ها در گذشته ی نه چندان دور، در ولایت ها، شهرستان ها و حتی آبادی های دورافتاده دایر بودند. مسجد یا مکتبخانه دو نام برای یک مکان است که هزاره ها به آن مکتب خانگی می گفتند. در هرگوشه آن، کوچک یا بزرگ و یا حیاطی در جوار آن و چه بسا در زیر چند سقف بی قواره که قبلا دکان یا حجره بوده اند، کلاس درس آن تشکیل می شد.

مکتبخانه از وسایل و امکانات تحصیلی، فقط فضای سرپوشیده ای داشت که شاگردان را از گرما و سرما و باد و باران حفظ می کرد. چند حصیر، گلیم، ستریجی یا نمد مندرس کف مکتب را می پوشانید که به نوعی فقر تمام عیار آن را نشان می داد.

گرداننده یا مدیر مکتب را «آخوند» می گفتند. وی علاوه بر کار تدریس، امور تحریری محل مانند تنظیم قباله و اجاره نامه و اسناد ذمه و دیگر گرفتاری های مردم را در نبود حکومت به عهده داشت. اجرای عقد ازدواج و طلاق از وظیفه های جدی او به شمار می رفت. برپایی مراسیم مذهبی به ویژه مراسم دهه ی محرم نیز توسط ملای منطقه برگزار می شد.

روحانی مکتبخانه برای مردم انواع و اقسام تعویذ می داد، فال باز می کرد، استخاره می نمود، روی نوزادان نام می گذاشت. وی آیین کفن و دفن را انجام می داد. نشستن در پای مجلس ختم و فاتحه وظیفه ی قرار دادی وی بود. آخوند برای کسانی که سواد نداشتند، نامه می نوشت و نامه های رسیده ی آنان را می خواند. وی دستیاری داشت که او را «خلیفه» می گفتند. خلیفه در نبود آخوند به امور تدریسی و نظم مکتبخانه می پرداخت و در برخی زمان ها بخش از تدریس و تعلیم خط به عهده او بود.

برای تحصیل کودکان، مردم برای آخوند مزد می دادند. مزد وی چند سیر گندم بود که در فصل خرمن دریافت می شد. مکتبدار یا مسجدی که سمت یا عنوان مذهبی نداشت، همواره در کنار روحانی محل بود ولی مزد کمتری دریافت می کرد. مسجدی برای آخوند چای درست می کرد، غذا می پخت، به درختان مسجد رسیدگی می کرد و نظافت مسجد و مکتبخانه هم به عهده او بود.

در برخی مناطق آخوند شب را به اختیار خودش در خانه اهالی محل می رفت و یا مردم از وی دعوت می کردند که به مهمانی بیاید. وقتی ملای منطقه در خانه مریدی مهمان می شد، در کنار وی اهالی قریه نیز دعوت می شدند. هزاره ها برای این مهمانی اصطلاحی داشت که به آن(آو تای کندو رس کن): زیر کندوی آرد را آبیاری کن. می گفتند که کنایه از برپایی مهمانی مفصل است.

در ایام تحصیل کودکان پولدار، تشکچه ی کوچک با خود به مکتبخانه می آوردند و دیگران روی گلیم و سترینجی می نشستند. همین که ساعت تعطیل می رسید، کودکان پولدار تشکچه خود را برای امان ماندن از دستبرد احتمالی، همراه خود به خانه بر می گرداند. افزون بر این دانش آموزان خورجین کوچک از نوع جاجیم (نی جه جیم) یا دستمالی با خود داشتند که کتاب، قلمدان و غذای خود را در آن جای می دادند که در اصطلاح مکتبخانه به «تول بکس یا دستمال کتاب» معروف بود.

در فصل سرما سوخت مکتب را به نوبت یکی از مردان قریه یا مسجدی از کوه می آورد. برخی از مکتبخانه ها بخاری آبدان دار داشتند که در وسط مکتبخانه یا مسجد نصب می شدند. مسجدی یا خلیفه لحظه به لحظه هیزم یا چوب درخت از نوع بید و توت و مانند آن را، در آن جا به جا می کردند.

برای ورود به مکتب یا شروع درس، قاعده سنی خاصی وجود نداشت. از کودک هفت ساله تا جوانان و حتی میان سالان، می توانستند شاگرد مکتبخانه باشند. همه ی این ها دورادور مکتبخانه می نشستند و هریک به تنهایی با صدای بلند و آهنگ مخصوص به تمرین و تکرار درس مشغول می شدند. در این میان اگر فردی ساکت بود و صدایش در نمی آمد، دلیل آن بود که او کاهلی می کند و علاقه به درس و تحصیل ندارد. در این صورت چوب تنبیه آخوند یا خلیفه سزایش را کف دستش می گذاشت و به او اخطار داده می شد که باید به درس هایش اوشرو(توجه) کند. تصور این صحنه که گروهی ناهمرنگ و ناهمگون، هریک با لحنی و هرکدام مضمون جداگانه ای را به آهنگ بلند در زیر سقف کوچکی می خواند، دشوار به نظر می رسد، اما این دگرگونی، بهترین تصویر مکتبخانه های هزارگی است. آخوند، شاگردان و خلیفه در آن محیط پر سر و صدا بدون احساس ناراحتی به کار روزمره ی خود مشغول بودند و چه بسا به داشتن چنان بازار پرهیاهوی دانش مباهات می کردند .

وقتی شاگردی برای نخستین بار وارد مکتبخانه می شد، آخوند با مهربانی او را متوجه طرز رفتار در مکتبخانه می کرد. اسم شخصی و نام پدرش را می پرسید و او را به اصطلاح امروزی از نظر روانشناسی می سنجید تا ببیند آیا آثار و علائم خونسردی و سرکشی در تازه وارد هست یا نه. هر تازه وارد با خود نان پتیر تنوری می آورد که بین شاگردان تقسیم می شد. گاهی این نان تنوری با یک پاکت شیرینی همراه بود که آخوند آن را برای خود بر می داشت.

در طول روز آخوند چوب تنبیه را از زیرِ زیرانداز پوستی یا پشمی خود بیرون می کشید و در ضمن نشان دادن آن، یکی دو ضربه تهدیدآمیز به کف مکتبخانه می زد و می گفت: «بخوان، بخوان. اگر درست نخوانید و روز چارشنبه درس خود پس ندهید یا شرارت و فضولی کنید، با این چوب ناخن های تان را می ریزانم.» شاگردان، درس های یک هفته ی تمام را روز چهارشنبه پس می دادند که به آن(پس خندی) می گفتند. شاگردان از همان ساعت اول غرق ترس و وهم های زایل نشدنی می شدند و مانند گنجشکی گوشه ای می خزیدند و فقط درس می خواندند، اما وقتی برون می آمدند، شوخی های شان تمامی نداشتند.

گاهی آخوند یکی از متخلفان و شوخی کنندگان سرسخت را به وسیله خلیفه و چند نفر از شاگردان بزرگ سال به فلک می بستند. دو نفر پای کودک متخلف را بالا می گرفتند و از میان پاهای شان به صورت چلیپا چادر رد می کردند که در نتیجه ی آن کف پای کودک به هوا بلند می شد. آخوند با تره که یی چوب، محکم به پای کودک می زد و به این وسیله او را تنبیه می کرد. گاهی این تنبیه به حدی شدید بود که کودک را در آب سرد می انداختند و بیچاره چند روز درست نمی توانست راه برود. در این حال آخوند شفاعت کسی را قبول نمی کرد. گاهی آخوند با سیلی چنان به گوش طرف می زد که وی مادام العمر از نعمت شنوایی

محروم می شد. کودک به این دلیل درس و مشق و مکتبخانه را ترک می کرد که مردم به وی فراری می گفتند و برای وی اصطلاح (مکتب گریز) را به کار می بردند.

شاگردان مکتب به تناسب سن و سال و مهارت های شان علاوه بر درس،کارهای شخصی و خانگی آخوند را نیز روبه راه می کردند: گندم او را آرد می نمودند؛ هیزمش را می شکستند؛ برف روبی پشت بامش را انجام می دادند و برای زراعت و برداشت محصولات زمین، به یاری اش می شتافتند.

در مکتبخانه اولین کتابی که به دانش آموز درس داده می شد «قاعده ی بغدادی » نام داشت و متضمن حروف الفبا به اشکال مختلف و قسمتی از سوره های کوچک قرآن بود. آخوند شاگردان را روی همین کتاب وادار به شناختن حروف می کردند و همین که برنامه شناخت حروف تمام می شد، کلمات ساده را شروع به هجی(هجابندی) می نمودند.

مکتبخانه ها هر سال بیشتر در فصل زمستان رونق می گرفتند اگر چند تمام سال دایر بودند. روز شنبه که به آن اول هفته می گفتند، شروع درس هفتگی بود. روز چهارشنبه پایان درس ها و روز شوق و شادی شاگردان که دو روز دیگر می توانستند بازی کنند و خوش بگذرانند. از این رو وقتی روز چهارشنبه می رسید، شوق استفاده از تعطیل روز پنجشنبه و جمعه، مکتب گریزان را چنان به شادی وا می داشت که فریاد شادی شان تا دورها شنیده می شد.

قرآن، پنج کتاب، دیوان حضرت حافظ، نصاب الصبیان، صرف میر، مراح، شمه، شرح ماته عامل در دستور زبان عربی و کتاب های تاریخ وصاف، گلستان سعدی، لیلی و مجنون، یوسف ذلیخا و... در فارسی فرازهای از کتاب هایی بودند که پس از خواندن (قاعده ی بغدادی) سه پاره و جزو عامه تدریس می شدند. به موازات آموزش این کتاب ها به نوعی حساب، ریاضی و مقادیر اوزان و نقود نیز می خوانده می شدندکه برای آموزش نوین شاگردان بسیار مفید بودند. کتاب صرف میر تنها کتابی بود که بر می شد، (از حفظ) خوانده می شد. بر خی از ملاهای منطقه صرف میر را رونویسی می کردند و شاگرد مجبور به حفظ آن بود. وقتی شاگردی به صرف میر می رسید، آخوند این شعر را برای او می خواند: صرف میرم صرف میرم صرف میر/ شیر نر را می کنم روباه پیر. که نشان از سخت یادگیری این کتاب داشت. صرف میر کتابی بود به فارسی که دستور زبان عربی را به شکل بسیار سنتی نشان می داد و از این رو ترسناک به نظر می رسید.

آخوند در این مکتبخانه ها به شاگردان اصول دین و فروع دین را آموزش می دادند. این آموزش برخی منظوم و برخی به نثر بود. به طور نمونه شاگردان (دوازده امامی) را چنین می خواندند: اول خوانم امام اولی را- شه هان شاه جهان امام علی را و... در این مکان علمی شاگردان وضو و نماز یاد می گرفتند و آداب و رسوم و آیین های مذهبی را می آموختند. نماز فردی یا با جماعت برگزار می شد. شاگردان در ایام سوگواری امامان معصوم و عزاداری برای سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدا ... الحسین (ع) و خاندان و یاران پاکش سینه زنی و نوحه خوانی را می آموختند. بیاض خوانی و رونویسی از روی بیاض آخوند تنها به آن هایی محول می شد که خط خوش داشتند و نوشتن بلد بودند.

نامه نگاری و نوشتن نام های مردان، جزو برنامه درسی به شمار می رفتند. سیاه مشق هم با سیاهی قلم و دوات- قلم نی- (برغینی) انجام می شد. آخوند نخست سرخط می داد و شاگردان از روی آن مشق می کردند. وقتی درس ها خوانده می شدند و وقت رفتن به خانه ها فرا می رسید، آخوند اول مشق ها را می دید و اشکالات آنان را رفع می کرد و اگر یکی ننوشته بود و یا بد نوشته بود، به شدت تنبیه می شد. آخوند گاهی چوبی، (خط کش)ی را بین انگشتان متخلف قرار داده و به شدت فشار می داد. این تنبیه داد و فریاد متخلف را به هوا می فرستاد. برخی زمان ها با تخته که روی آن مشق انجام می شد، به پشت دست یا روی ناخن های کودک متخلف می زد.

در ایام تحصیل اگر کسی میزان تحصیل و سیر مراحل درسی فردی را در مکتبخانه می پرسید، به جای مدت تحصیل جوابی را که

می شنید، نام کتابی بود که می خواند. به طور نمونه می گفت: دیوان حافظ خوانده ام و یا گلستان سعدی می خوانم. از آنجایی که شاگردان با شعر فارسی آشنا می شدند، در اوقات فراغت مشاعره یکی از سرگرمی های شاگردان مکتبخانه بود. لب سیاگگ که نوعی مسابقه مشق نویسی بود نیز از سرگرمی های مهم شاگردان بود. کودکی که مسابقه ی مشق نویسی را می باخت، باید لبش را نزدیک می آورد و برنده مسابقه ی لب سیاگگ، لب او را با قلم نی سیاه می کرد و دیگران به او می خندیدند.

خط خوش اعم از درشت یا ریز که به نام «مشق» یاد می شد، ملاک اصلی تحصیل در مکتبخانه بود. هرکس به هر اندازه از تحصیل، چنانکه خط خوبی نداشت، طرف توجه نبود. آنچه را که می نوشتند با قلم نی و مرکب سیاه بود. سرکردن قلم نی توسط آخوند یا یکی از کودکان خوش خط انجام می شد. مرکب های رنگی، به ویژه مرکبی که از جوهر رنگی گرفته می شد، کمتر کاربرد داشت. بیشتر مرکب ها سیاه رنگ بود. مردم هزاره از جو سوخته هم نوعی مرکب می ساختند که رنگ سیاه داشت.

نوشتن از روی سر مشق ملای مکتب، در مکتبخانه و در خانه انجام می گرفت. کودکان در مکتبخانه به تقلید از استاد، تخته را روی زانوی راست قرار می دادند و از راست به چپ می نوشتند. مشق نویسی زمانی به اوج و کمال خود می رسید که شاگردی می توانست بدون پیشنویسی کتابت کند، بی آنکه قلم خوردگی در نوشته ی وی پیدا شود. همین طور قواعد و نظم سطرها را به نحو مطلوب رعایت کرده باشد. کودکان برای آموزش خط ضمن تهیه وسائل تحریر مانند: قلمدان، دوات، قلم نی و تخته چوبی و یا کاغذ بر حسب سنت کهن مکتبخانه ها، در این روز باید هدیه ی هم به آخوند می دادند.

هنگام تعلیم سرمشق آخوند با سابقه ذهنی که از وصول مرسوم داشت، یکایک شاگردان را پیش خود می خواست و پس از آنکه مختصر از طرز نوشتن سرمشق می گفت، آموزش لازم را می داد. بیشتر این سرمشق ها چنین شروع می شد: «با ادب باش که سر مشق جوانان ادب است یا ادب مرد به ز دولت اوست و خط نوشتم صرف کردم روزگار- من نمانم خط بماند یادگار» اولین سرمشق مدتی تکرار می شد تا کودک بتواند آن را خوب تمرین کند و نیکو بنویسد.

نقاشی که به آن رسم گفته می شد در مکتبخانه ها ممنوع بود. زیرا ملای مکتب اعتقاد داشت که وقتی مبادرت به ترسیم حیوان یا انسان و حتی درختی می شود آن ها در سرای باقی از نقاش جان می طلبند و چون خواسته آن ها برآورده نمی شود، نقاش را جزای نابخشودنی خواهد بود!

سیر مراحل تحصیلی و تمام کردن هر کتاب یک مرحله از تحصیل مکتبخانه به شمار می رفت. البته کتاب ها از نظر اهمیت و ارزش با هم فرق می کردند. کسی که کتاب های دستور عربی را مانند صرف میر و یا سیوطی می خواند، مورد احترام بود و به وی (بلن خوان) می گفتند. شاگردان کتاب هایی را که نام برده شد، مطابق میل آخوند تمام می کردند.

یکی از احتیاج های همیشگی مکتب چوب تنبیه بود که مرتب در حال زدن می شکست. چوب تنبیه از ترکه های بید، ارر- چنار و بادام که ضربه های آن به دردناکی شهره بود؛ تهیه می گردید. این چوب ها گذشته از این که انعطاف بیشتری داشت، نسبت به سایر چوب ها با دوامتر بود.

دانش آموزی که برای پس دادن درس آمادگی نداشت، از مکتب فراری می شد؛ ملا دو سه نفر را می فرستاد تا او را از مزرعه و خانه اش بیاورند. از این شاگرد گریزپا با چوب تنبیه استقبال می شد. برخی از آخوندهای محل ترجیه می دادند مسله ی فراری بودن شاگرد را با پدر او در میان بگذارند. چنین رفتاری گاه عکس العمل شاگرد ناراضی را برمی انگیخت، او و هم فکرانش سوزن یا میخی زیر تشک و زیرانداز آخوند می گذاشتند و همین که آخوند سرزده روی آن می نشست، سوزشی دردناک در وجود خود احساس می کرد .از این رو ملای مکتب پس از هر بساط تنبیه، قبل از نشستن، زیرانداز خود را وارسی می کرد، تکان می داد و دستی روی آن می کشید، بعد می نشست.

باری آداب و رسوم و سنت های مکتبخانه، زیاد و گوناگون اند و در هر شهر و دیاری، رنگ ویژه ای دارند. آنچه در این مختصر

عنوان شد، مربوط به جاغوری است که شهرستان است در شمال شرق شهر غزنی که مکتبخانه ها در آن از گذشته های دور رواج داشته اند، اگر چند نگارنده باور دارد که تفاوت در آن ها اندک است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹